



فهرست

۷

بخش اوّل: واژگان

۹ Personality : ۱ درس ◀

۴۱ Travel : ۲ درس ◀

۸۱ Festivals and Ceremonies : ۳ درس ◀

۱۱۹ Services : ۴ درس ◀

۱۴۵ Media : ۵ درس ◀

۱۷۱ Health and Injuries : ۶ درس ◀



۱۹۷

بخش دوم: گرامر

۲۲۳

بخش سوم: پاسخ‌نامه

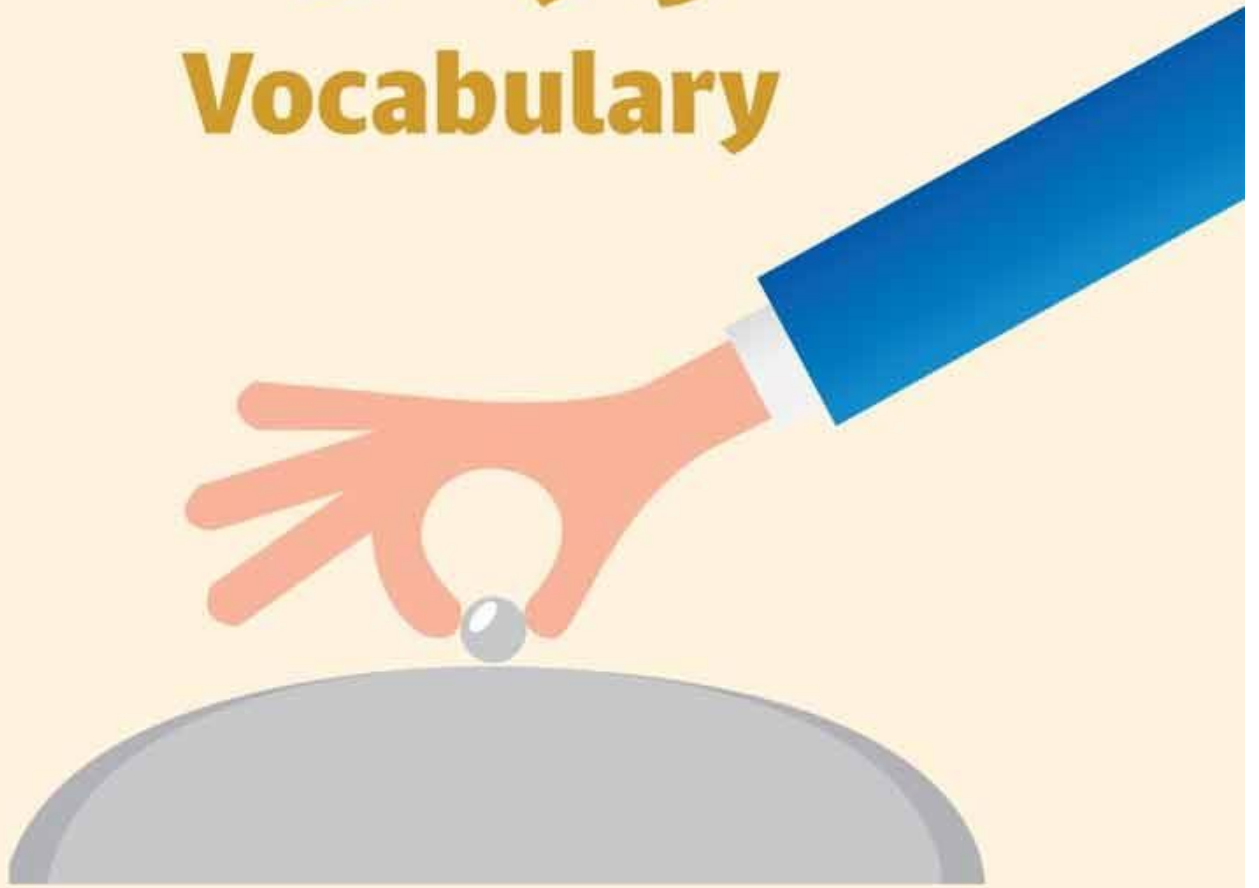
۲۴۷

بخش چهارم: واژه‌نامه الفبایی



بخش ۱

واژگان Vocabulary



ل A c ن B ۷ ز ۶ خ ۰ ۳



نقش کلمات

شکل کامل	شکل اختصاری
noun	(n.)
adjective	(adj.)
adverb	(adv.)
phrasal verb	(ph. v.)
phrase	(phr.)
pronoun	(pro.)
preposition	(prep.)
determiner	(det.)
interjection	(inter.)
conjunction	(conj.)





Lesson

1

Personality

1 **a bit** (adv.) (pro.)

کمی

At first, I was a bit confused.

در ابتدا کمی گیج بودم.



2 **affirmative** (adj.)

اظهار نظر مثبت، بله

An affirmative answer

پاسخ مثبت



3 **also** (adv.)

همچنین

He sings beautifully and also plays the flute and the piano.

او به زیبایی آواز می خواند و همچنین فلوت و پیانو می نوازد.



4 **always** (adv.)

همیشه

Always lock your bicycle to something secure.

همیشه دوچرخه ات را به چیز محکمی قفل کن.



5 **answer** (n.) (v.) پاسخ، پاسخ دادن

You don't have to give them an answer now.

تو مجبور نیستی حالا به آنها پاسخ بدهی.



◀ دیکته ناقص کلمات را کامل کنید.

- 1 a_s_er 2 af_irma__ve 3 a_w_ys

◀ با استفاده از کلمه‌های داده شده جاهای خالی را پر کنید. (یک کلمه اضافی است).

abit, answer, also

- 4 My friend was called Helen.
5 I feel better now.

◀ با توجه به تعریف کلمه مناسب بنویسید.

- 6 In addition to something else that you have mentioned.

◀ در هر قسمت گزینه درست را انتخاب کنید.

- 7 The students answered this question in the
a) correctly b) affirmative
c) not exactly d) obviously
8 I've wanted to go to Paris.
a) actually b) not
c) always d) absolutely





66 school (n.) مدرسه
I'll see you after school.
بعد از مدرسه می بینمت.



67 selfish (adj.) خودخواه
Some people are very selfish.
بعضی از مردم خیلی خودخواه هستند.



68 serious (adj.) جدی
His voice suddenly became more serious.
ناگهان صدایش جدی تر شد.



69 shy (adj.) خجالتی
She was very shy with strangers.
او نزد غریبه ها خیلی خجالتی بود.



70 soldier (n.) سرباز
Every government needs brave soldiers.
هر دولتی به سربازهای شجاع نیاز دارد.



◀ کلمات به هم ریخته را مرتب کنید.

106 sleifhs

107 sloiedr

108 shoocl

◀ در هر قسمت گزینه درست را انتخاب کنید.

109 How can you be so

a) soldier

b) crying

c) selfish

d) like

110 I was very when I was younger.

a) shy

b) clear

c) hide

d) junk

◀ برای هر تصویر واژه مناسب بنویسید.



111



112

◀ جای خالی را با دانش خود پر کنید.

113 Iranian are very brave.



56 **passport** (n.) گذرنامه، پاسپورت
You cannot travel to foreign countries without a passport.

شما بدون گذرنامه نمی‌توانید به کشورهای خارجی سفر کنید.



57 **pay toll** (v.) پرداخت کردن عوارض
Do you like to pay the toll in cash?
مایل هستید عوارض را نقد پرداخت کنید؟



58 **Persian** (adj.)

فارسی، ایرانی

In my eyes it was a Persian carpet.

به نظرم آن فرش ایرانی بود.



59 **personality** (n.) شخصیت
They are the best friends, although they have different personalities.

آنها شخصیت‌های متفاوتی دارند، اگرچه بهترین دوست‌ها (برای هم) هستند.



60 **phrase** (n.) عبارت، اصطلاح
His conversation is full of phrases.

مکالمه او پر از اصطلاحات است.

What is a phrase?

• Definition:

A **phrase** is a small group of words that adds meaning to a word.

A **phrase** is not a sentence because it is not a complete idea with a subject and a predicate.

◀ دیکته ناقص کلمات را کامل کنید.

99 pas_p_rt

100 Per_i_n

101 per_onal_ty

◀ ستون A را به ستون B وصل کنید. (در ستون B یک تصویر اضافی است.)

A

102 pay toll

103 passport

B

a)



b)



c)



◀ در هر قسمت گزینه درست را انتخاب کنید.

104 The book is full of

a) Persian

b) phrases

c) payment

d) packing

105 You need a to travel to foreign countries.

a) passport

b) card

c) newspaper

d) friend

◀ جاهای خالی را با دانش خود پر کنید.

106 European believe that carpet is the best in the world.

107 You can in cash.





Lesson

6

Health and Injuries

1 **accident** (n.) تصادف

I had an accident yesterday.

من دیروز تصادف کردم.



2 **advice** (n.) نصیحت

She gave me some advice.

او مرا کمی نصیحت کرد.



3 **ankle** (n.) قوزک پا

My ankle hurts.

قوزکِ پایم درد می‌کند.



4 **answer** (n.) (v.) پاسخ، جواب دادن

What was the answer to question 4?

پاسخ سؤال ۴ چه بود؟



5 **anyone** (pro.) هر کسی، کسی

Does anyone want a cup of tea?

آیا کسی یک فنجان چای می‌خواهد؟



◀ دیکته ناقص کلمات را کامل کنید.

1 an_le

2 an_ one

3 advi_e

◀ جای خالی را با دانش خود پر کنید.

4 could win tonight.

5 These are important questions, and we want to them.

6 The joint between your foot and your leg is called

◀ در هر قسمت گزینه درست را انتخاب کنید.

7 Over 70,000 people are seriously injured every year in road

a) accidents

b) affirmative

c) amazing

d) obviously

8 Sara slipped on the stairs and twisted her

a) actually

b) around

c) advice

d) ankle



بخش ۲

گرامر

Grammar



ԱՆՆՆՆՆՆ
ԲԴԴԴԴԴԴ
ՃԽԽԽԽԽԽ



Lesson 1

درس ۱

فعل‌های to be

فعل‌های to be، در زبان انگلیسی شامل am, is, are در زمان حال و was, were در زمان گذشته هستند. البته در این درس ما فقط با am, is, are سروکار داریم که بعد از فاعل قرار می‌گیرند.

ضمایر فاعلی	فعل‌های to be	مثال
I	am	I am a student.
You	are	You are a student.
He	is	He is a student.
She		She is a student.
We	are	We are students.
You		You are students.
They		They are students.

● اگر بخواهیم فعل‌های to be را به صورت اختصاری بنویسیم به شکل زیر عمل می‌کنیم:

I am → I'm

She is → She's

You are → You're

He is → He's

We are → We're

They are → They're



نحوهٔ سؤالی کردن

برای سؤالی کردن جمله‌هایی که فعل to be دارند، کافی است جای فاعل و فعل to be را با هم عوض کنیم.

- Example**
- She is clever.
Is she clever?
 - They are clever.
Are they clever?
 - We are clever.
Are we clever?

نحوهٔ منفی کردن

برای منفی کردن این جمله‌ها کافی است بعد از فعل to be, not را اضافه کنیم.

- Example**
- I am clever.
I am not clever.
 - She is clever.
She is not clever.
 - You are clever .
You are not clever.

البته اگر بخواهیم حالت منفی را به صورت اختصاری بنویسیم، به صورت زیر عمل می‌کنیم:

- Example**
- She is not clever. → She isn't clever.
 - You are not clever. → You aren't clever.

نکته: I am not را نمی‌توان به شکل مخفف نوشت.



صفت

صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند و معمولاً آن را در یکی از حالت‌های زیر به کار می‌بریم.

۱ قبل از اسم:

- Example**
- a bad day
 - an interesting book
 - a beautiful flower
 - an old man

نکته: اگر اسمی که می‌خواهیم توصیف کنیم مفرد و حرف اول صفت، یکی از حروف صدادار باشد (a, e, i, o, u) از حرف تعریف an و در غیر این صورت از حرف تعریف a استفاده می‌کنیم.

۲ بعد از فعل‌های to be

- Example**
- He is old.
 - They are famous.

There is , There are

این دو عبارت به معنای «وجود داشتن» است، با این تفاوت که «there is» را برای اسامی مفرد و «there are» را برای اسامی جمع به کار می‌بریم.

- Example**
- There is a book in my bag.
 - There are two books in my bag.



Lesson 6

درس ۶

زمان گذشته ساده (فعل‌های بی‌قاعده)

همان‌طور که در درس قبل آموختید فعل‌های زبان انگلیسی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱ فعل‌های با قاعده: فعل‌هایی هستند که در زمان گذشته به انتهای آنها، ed اضافه می‌شود. (در درس قبل با آنها آشنا شدید.)

۲ فعل‌های بی‌قاعده: فعل‌هایی هستند که در زمان گذشته به انتهای آنها ed اضافه نمی‌شود، بلکه شکل آنها تغییر می‌کند. لیست این فعل‌ها در انتهای کتاب درسی آمده است و چاره‌ای جز حفظ کردن آنها نیست.

- Example**
- go → went
 - fall → fell
 - begin → began

نکته: برخی از فعل‌های بی‌قاعده در زمان حال و گذشته شکلی یکسان دارند.

- Example**
- let → let
 - put → put
 - cut → cut



نحوهٔ سؤالی و منفی کردن

برای سؤالی کردن جمله‌هایی که فعل بی‌قاعده دارند از فعل کمکی did استفاده می‌کنیم. در هر دو حالت باید فعل اصلی جمله را به صورت ساده بنویسیم؛ به عبارت دیگر فعل را به زمان اصلی خود برمی‌گردانیم.

Example I went to school yesterday.

I didn't go to school yesterday.

Did I go to school yesterday?

نکته: در جمله‌های سؤالی با کلمه‌های پرسشی (Wh Questions) نیز همین قاعده صدق می‌کند؛ یعنی بعد از کلمهٔ پرسشی ابتدا فعل کمکی did، سپس فاعل و در ادامه فعل اصلی را قرار می‌دهیم و مورد سؤال را حذف می‌کنیم. فعل جمله را هم به شکل اول (زمان حال ساده) برمی‌گردانیم.

Example He went to school yesterday.

When did he go to school?

Where did he go yesterday?

ضمایر فاعلی و مفعولی

ضمایر فاعلی ضمایی هستند که به جای اسم می‌نشینند و از تکرار آن جلوگیری می‌کنند. ضمایر مفعولی ضمایی هستند که به جای مفعول در جمله قرار می‌گیرند. در جمله‌های خبری ضمایر فاعلی همیشه در ابتدای جمله و قبل از فعل اصلی به کار می‌روند. ضمایر مفعولی نیز بعد از فعل آمده و جایگزین مفعول جمله می‌شوند.



بخش ۳

پاسخ نامه

Answers



پاسخ نامه



درس ۶

۱. ankle
۲. anyone
۳. advice
۴. answer: این سؤال‌ها مهم هستند و ما می‌خواهیم به آنها پاسخ بدهیم.
۵. anyone: هر کسی می‌توانست امشب برنده شود.
۶. ankle: مفصل بین پا و ساق پا قوزک نامیده می‌شود.
۷. گزینه «a»: هر سال بیش از هفتاد هزار نفر به طور جدی در تصادف‌های جاده‌ای مصدوم می‌شوند.
۸. گزینه «d»: سارا روی پله‌ها سر و قوزک پایش پیچ خورد.
۹. break
۱۰. back
۱۱. bleed
۱۲. گزینه «c»: او چشمش در دعوا کبود شد.
۱۳. گزینه «a»: او از دو چرخه‌اش افتاد و الان کمی کبودی روی زانویش دارد.
۱۴. گزینه «b»: بینی‌ات دارد خون می‌آید.
۱۵. broke: قوزک پای او در یک تصادف شکست.
۱۶. buy
۱۷. cast
۱۸. burn
۱۹. burn: تخریب شدن یا خسارت دیدن چیزی با آتش.
۲۰. cast: احسان پایش در گچ است.
۲۱. buy: پول برای خرید تجهیزات مدرسه استفاده خواهد شد.
۲۲. chair: او روی صندلی چوبی نشسته بود.
۲۳. climb
۲۴. cookie
۲۵. clever
۲۶. b
۲۷. c
۲۸. clever: کسی که توانایی یادگیری و فهمیدن سریع چیزها را دارد.
۲۹. cookie: یک کیک شیرین کوچک نازک.



۳۰. coat: نیم‌تنه‌ای که شما به عنوان بخشی از یک کت و شلوار می‌پوشید.

drive. ۳۳ door. ۳۲ cut. ۳۱

۳۴. cry: در طبقه بالا یک بچه شروع به گریه کرد.

۳۵. cut: آیا می‌خواهی من کیک را ببرم؟

۳۶. drive: چه وقت رانندگی کردن یاد گرفتی؟

۳۷. Excuse me: ببخشید، یک لحظه. من برمی‌گردم.

door. ۴۰ cut. ۳۹ drive. ۳۸

fall down. ۴۳ hand. ۴۲ finger. ۴۱

fire. ۴۵ first aid. ۴۴

۴۶. گزینه «a»: آن زن حلقه‌ای در انگشتش داشت.

۴۷. گزینه «b»: رضا از پله‌ها افتاد و پایش شکست.

۴۸. first aid: تمیز کردن زخم و گذاشتن باند روی آن نمونه‌ای از

کمک‌های اولیه است.

hit. ۵۱ hungry. ۵۰ head. ۴۹

a. ۵۳ c. ۵۲

hungry. ۵۵ head. ۵۴

۵۶. I don't like to see people hitting a dog: من دوست ندارم

بینم مردم یک سگ را می‌زنند.

knee. ۵۹ invite. ۵۸ hurt. ۵۷

۶۰. گزینه «c»: او با جراحات جدی در سر، به بیمارستان برده شد.

۶۱. گزینه «b»: لوسی دور زانویش باندپیچی داشت.

just a moment. ۶۴ invite. ۶۳ hurt. ۶۲

۶۵. hurt: مراقب باش که نیفتی و به خودت صدمه نزنی.

leg. ۶۸ park. ۶۷ lake. ۶۶



بخش

واژه‌نامهٔ الفبایی

Alphabetical
Dictionary



А а В в Г г Д д Е е Ж ж З з И и К к Л л М м Н н О о П п Р р С с Т т У у Ф ф Х х Ц ц Ч ч Ш ш Щ щ Ъ ъ Ы ы Э э Ю ю Я я



واژه‌نامه الفبایی پایه‌های هفتم، هشتم و نهم

A		Afternoon	عصر، بعدازظهر
A bit	کمی	Again	دوباره
A lot	مقدار زیادی	Age	سن
A lot of		Ago	پیش، قبل
	تعداد زیادی، مقدار زیادی	Air	هوا
a.m.	از ۱۲ نیمه‌شب تا ۱۲ ظهر	Airport	فرودگاه
Ability	توانایی	All	همه
About	درباره	All right	بسیار خوب
Accident	تصادف	Also	همچنین
Account	حساب کاربری	Always	همیشه
Act in movies		Amazing	شگفت‌انگیز، متحیرکننده
	بازی کردن در فیلم‌ها	Ambulance	آمبولانس
Activity	فعالیت	Angry	عصبانی
Actually	در واقع، واقعاً	Animal	حیوان
Address	آدرس	Ankle	قوزک پا
Advice	نصیحت	Another	دیگری، دیگر
Affirmative		Answer	پاسخ، جواب
	اظهار نظر مثبت، پاسخ مثبت	Any	هیچ
Africa	آفریقا	Anyone	هر کس
African	آفریقایی		



Appearance	ظاهر	Baggage reclaim	تحويل بار
Apple	سیب	Bag	کیف
April	ماه آوریل	Bake a cake	کیک پختن
Arabic	زبان عربی	Baker	نانوا
Around	گرداگرد، اطراف	Banana	موز
As	به عنوان	Bank	بانک
Asia	آسیا	Bathroom	حمام
Asian	آسیایی	Be going to	
Ask	سؤال پرسیدن	Be quiet	ساکت باشید
Ask the information desk	پرسیدن از میز اطلاعات	Beautiful	زیبا
At first	در ابتدا	Bedroom	اتاق خواب
Attend	شرکت کردن	Before	قبلاً، قبل از
August	ماه اوت	Beginning	آغاز
Aunt	عمه، خاله، زנדایی، زن‌عمو	Below	زیر
Australia	استرالیا	Belt	کمربند
Australian	استرالیایی	Bench	نیمکت
B		Best	بهترین
Back	برگشت	Big	بزرگ
Back	کمر	Birth	تولد
Backache	کمر درد	Birthday	روز تولد
Backpack	کوله‌پشتی	Black	سیاه



Black board	تخته سیاه	Brother	برادر
Black eye	چشم کبود	Brown	قهوه‌ای
Blanket	پتو	Browsing the internet	گشت و گذار در اینترنت
Bleed	خون آمدن	Bruise	کوفتگی، کبودی
Blog	وبلاگ	Building	ساختمان
Blue	آبی	Burn	سوزاندن
Boarding	وارد شدن به هواپیما	Bus	اتوبوس
Booking a room	رزرو اتاق	Bus station	ایستگاه اتوبوس
Book	کتاب	Busy	مشغول
Bookstore	کتاب‌فروشی	Buy	خریدن
Born	متولد شده، زاییده	Buying a ticket	خرید بلیط
Boulevard	بلوار	Bye	خدا حافظ
Boy	پسر	C	
Brave	شجاع	Cake	کیک
Brazil	برزیل	Call	زنگ زدن، صدا کردن، تماس گرفتن
Brazilian	برزیلی	Camputer	رایانه، کامپیوتر
Bread	نان	Can	توانستن
Break	وقت استراحت	Capital	پایتخت
Bridge	پل	Car	ماشین
Brilliant	برجسته و عالی	card	کارت
Bring	آوردن		
Broke	شکستن		

